

09171239262

09015608038

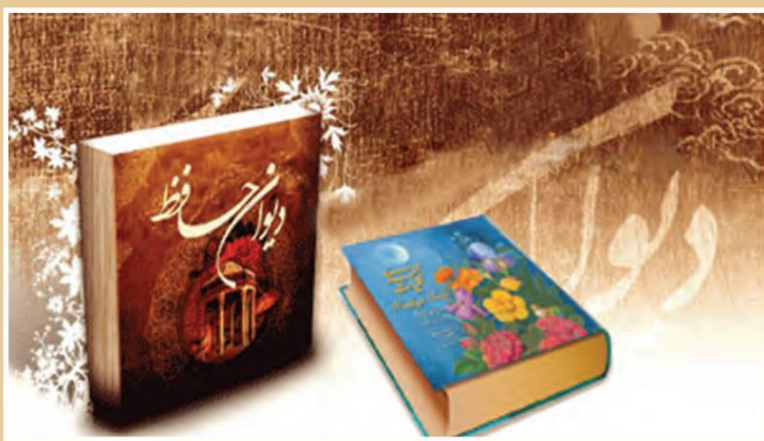
@magid646

تهیه و تدوین: عبدالمجید رستمی

استان فارس - کازرون

دبیرستان نمونه دولتی سعادت و تیزهوشان کازرون

## الدَّرْسُ الثَّامِنُ



قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ.  
زيبايي آدمي شيوايي گفتارش است.

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

آرایه‌ی (صنعت) تلمیع در ادبیات فارسی

إِنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لُغَةُ الْقُرْآنِ وَالْأَحَادِيثِ وَالْأَدْعِيَةَ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ  
 بی‌گمان زبان عربی زبان قرآن و احادیث و دعاهاست پس شاعران ایرانی از آنها استفاده کرده اند  
 الْإِيرَانِيِّونَ وَ أَنْشَدَ بَعْضُهُمْ آيَاتًا مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارِسِيَّةِ وَ سَمَّوْهَا بِالْمَلْمَعِ؛ لِكَثْرِ  
 و برخی از آنها بیت هایی آمیخته به عربی و فارسی را سرود اند و آنها را ملمع نامیدند  
 مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ مَلْمَعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ وَ جَلَّالُ الدِّينِ  
 بسیاری از شاعران ایرانی ملمع هایی دارند، از آنها حافظ شیرازی و سعدی شیرازی و جلال الدین رومی معروف به مولوی است  
 الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ بِالْمَوْلَوِيِّ.

مَلْمَعُ حَافِظِ الشِّيرَازِيِّ لِسَانَ الْغَيْبِ

ملمع حافظ شیرازی لسان غیب

إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ هَجْرِكَ الْقِيَامَهُ  
 بدون شک من روزگار را از جدایی تو همچون قیامت دیدم  
 لَيْسَتْ دَمُوعٌ عَيْنِي هَذِي لَنَا الْعَلَامَةُ؟<sup>۱</sup>  
 آیا این اشک های چشمم برای ما نشانه نیست  
 مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ الدَّامَةُ  
 هرکس آزموده را بیازماید پشیمانی بر او فرود می آید  
 فِي بُعْدِهَا عَذَابٌ فِي قُرْبِهَا السَّلَامَةُ  
 در دوری اش عذاب و در نزدیکی اش سلامتی (آرامش) است  
 وَاللَّهِ مَا رَأَيْنَا حُبًّا بِلا مَلَامَةٍ  
 به خدا قسم عشقی بدون سرزنش ندیدیم  
 حَتَّى يَذُوقَ مِنْهُ كَأْسًا مِنَ الْكِرَامَةِ<sup>۲</sup>  
 تا از آن جامی از کرامت بچشد

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه  
 دارم من از فراقش در دیده صد علامت  
 هر چند کازمودم از وی نبود سودم  
 پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا  
 گفتم ملامت آید گر گرد دوست گرم  
 حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین



۱- آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟  
 ۲- حافظ همانند خواستاری آمد که جان شیرین بدهد و جامی بستاند، تا از آن جامی از کرامت بچشد.

در ترجمه ی ترکیبِ قَد + مضارع به یکی از شکل های زیر عمل می کنیم

الف: گاهی + مضارع اخباری (می + بن مضارع + شناسه)

ب: شاید یا ممکن است یا احتمال دارد + مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه)

### مُلَمَّعُ سَعْدِي الشِّيرَازِي

سَلِّ الْمَصَانِعَ رَكْبَاتِهِمْ فِي الْفَلَوَاتِ<sup>۱</sup> تو قدر آب چه دانی که در کنار فُرَاتی  
از انبارهای آب دربارۀ ی سوارانی که در بیابان ها تشنه اند  
و إِن هَجَرْتَ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ عُدَاتِي شبنم به روی توروزست و دیده ام به توروشن  
و اگر جدا شوی شیب و روزم برابر می شود  
مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ أَتِي زمان گذشت (سپری شد) و قلبم می گوید که در حال آمدن هستی  
اگر گلی به حقیقت عَجِينِ آب حیاتی اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم  
من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم  
و قَدْ تَفَتَّشُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد  
و گاهی چشمه ی زندگی در تاریکی ها جستجو می شود  
جواب تلخ بدیع است از آن دهان نباتی  
فَكَمْ نُمِرُّرٌ عَيْشِي وَأَنْتَ حَامِلٌ شَهْدٍ پس چه بسیار زندگی ام را تلخ می کنی در حالی  
نه پنج روزۀ عمرست عشق روی تو ما را  
وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى هر با نمکی را همان گونه که دوست داری و  
أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَعِيثُ وَ أَدْنُو از تو می ترسم و به تو امید دارم و از تو کمک  
می خواهم و به تو نزدیک می شوم  
مَحَامِدٌ تُوْجِدُ فِي مَوَارِيهِ صِفَاتِي اگر خاک قبرم را ببویی، بوی عشق را می یابی  
که هم کمند بلایی و هم کلید نجاتی  
أَحَبَّتِي هَجَرُونِي كَمَا تَشَاءُ عُدَاتِي یارانم از من جدایی گزیدند همانطور که دشمنانم می خواهند  
وَ إِن شَكُوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ<sup>۲</sup> و اگر به پرندگان شکایت برم، در لانه ها شیون می کنند



- ۱- از انبارهای آب دربارۀ سوارانی که در بیابان ها تشنه اند بپرس. مصانع آبگیرهایی بودند که مزۀ گوارایی نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.
- ۲- اگر خاک قبرم را ببویی، بوی عشق را می یابی.
- ۳- و اگر به پرندگان شکایت برم، در لانه ها شیون کنند.

مُجَرَّبٌ : آزموده	شَاءَ : خواست	آتِي، آتٍ : آینده، درحال آمدن
مَحَامِدٌ : ستایش‌ها	شَكَوْتُ : شکایت کردم «إِنْ شَكَوْتُ»	اسْتَعَاثَ : کمک خواست
مَرَّرَ : تلخ کرد	اگر شکایت کنم	بَدِيعٌ : نو (برای نخستین بار)
مَصَانِعُ : آب‌انبارهای بیابان	شَمٌّ : بویید «شَمَمْتُ: بوییدی»	بُعْدٌ : دوری
مَلِيحٌ : با نمک	عَجِينٌ : خمیر	جَرَّبَ : آزمایش کرد
مَمزُوجٌ : درآمیخته	عُدَاةٌ : دشمنان «مفرد: عادي»	حَلٌّ : فرود آمد
نُحْنٌ : شیون کردند ← نَاحٌ	عَشِيَّةٌ : آغاز شب	ذَاقَ : چشید
وَدٌّ : عشق	غَدَاةٌ : آغاز روز	دَنَا : نزدیک شد
وَصَفٌ : وصف کرد	فَلَوَاتٌ : بیابان‌ها «مفرد: فلاة»	رَجَا : امید داشت
وُكُنَاتٌ : لانه‌ها	قَد تَفَتَّشُ : گاهی جست‌وجو	رَضِيَ : راضی شد
هَامٌ : تشنه و سرگردان شد	می شود	رُفَاتٌ : استخوان پوسیده
هَجَرَ : جدایی‌گزید، جدا شد	قُرْبٌ : نزدیکی	رُكْبٌ : کاروان شتر یا اسب سواران
	كَأْسٌ : جام، لیوان	سَلٌ : بپرس (اسأل)

**عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.**

صحیح و خطا را بر حسب متن درس معین کن

۱- لَيْسَ لِحَافِظٍ وَ سَعْدِيٍّ مِلْمَعَاتٌ جَمِيلَةٌ. x ✓

سعدی و حافظ ملغمه‌های زیبایی ندارند

۲- يَرَى حَافِظُ الدَّهْرَ مِنْ هَجْرِ حَبِيبِهِ كَالْقِيَامَةِ. x ✓

حافظ روزگار را از جدایی دوستش مانند قیامت می بیند

۳- يَرَى حَافِظٌ فِي بُعْدِ حَبِيبِهِ رَاحَةً وَ فِي قُرْبِهِ عَذَابًا. x ✓

حافظ در دوری دوستش راحتی و در نزدیکی اش عذاب می بیند

۴- يَرَى سَعْدِيُّ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ سَوَاءً مِنْ هَجْرِ حَبِيبِهِ. x ✓

سعدی از جدایی دوستش شب و روز را برابر می بیند

۵- قَالَ سَعْدِيٌّ: «مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ لَا تَأْتِي.» x ✓

سعدی گفت: زمان سپری شد (گذشت) و قلبم می گوید قطعاً تو نمی آبی

## اعلموا

بن ماضی + ه + شده

اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمُبَالَغَةِ

در دستور زبان فارسی به اسم فاعل، صفت فاعلی و به اسم مفعول، صفت مفعولی می‌گویند.

بن مضارع + ار یا گار یا نده یا ا

اسم فاعل به معنای «انجام دهنده یا دارنده حالت» و اسم مفعول به معنای «انجام شده» است.

اسم فاعل و اسم مفعول دو گروه‌اند:

گروه اول بر وزن «فاعل» و «مفعول» هستند که در سال گذشته یا آنها آشنا شده بودید. گروه اول از فعل‌های ثلاثی مجرد (فعلی که سوم شخص مفرد ماضی آن فقط سه حرف اصلی دارد) گرفته شده است

ماضی	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
صَنَعَ	صَانِع	سازنده	مَصْنُوع	ساخته شده
خَلَقَ	خَالِق	آفریننده	مَخْلُوق	آفریده شده
عَبَدَ	عَابِد	پرستنده	مَعْبُود	پرستیده شده

گروه دوم از فعل‌های ثلاثی مزید (فعلی که سوم شخص مفرد ماضی آن علاوه بر سه حرف اصلی یک یا دو یا سه حرف زائد دارد) گرفته می‌شود اکنون با گروه دوم آشنا شوید.

مضارع	اسم فاعل	صفت فاعلی	اسم مفعول	صفت مفعولی
يُشَاهِدُ	مُشَاهِد	بیننده	مُشَاهَد	دیده شده
يُقَلِّدُ	مُقَلِّد	تقلید کننده	مُقَلَّد	تقلید شده
يُرْسِلُ	مُرْسِل	فرستنده	مُرْسَل	فرستاده شده
يَنْتَظِرُ	مُنْتَظِر	انتظار کشنده	مُنْتَظَر	مورد انتظار
يَتَعَلَّمُ	مُتَعَلِّم	یادگیرنده	مُتَعَلَّم	یاد گرفته شده
يَسْتَخْرِجُ	مُسْتَخْرِج	بیرون آورنده	مُسْتَخْرَج	بیرون آورده شده
يَتَهَاجِمُ	مُتَهَاجِم	حمله کننده	-	-
يَنْكَسِرُ	مُنْكَسِر	شککننده	-	-

اسم مفعول از فعل‌های باب تفاعل و انفعال ساخته نمی‌شود با دقت در دو جدول داده شده فرق اسم فاعل و اسم مفعول را بیابید.

نکته: اسم فاعل و اسم مفعول گروه اول به ترتیب بر وزن (فاعل و مفعول) ساخته شده‌اند. مراجعه به جدول اول  
نکته: اسم فاعل و اسم مفعول گروه دوم هر دو با (م) شروع می‌شوند و حرف پیش از آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه می‌گیرد. مراجعه به جدول دوم

**گروه اول:** فعل‌هایی بود که سوم شخص مفرد ماضی آنها سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان بر وزن فاعِل و مَفْعول بود.

**گروه دوم:** فعل‌هایی است که سوم شخص مفرد ماضی آنها بیشتر از سه حرف بود و اسم فاعل و مفعولشان با حرف «م» شروع می‌شود. یک حرف مانده به آخر در اسم فاعل کسره و در اسم مفعول فتحه دارد.

( اسم فاعل : مُ ... — ... ) ، ( اسم مفعول : مُ ... — ... )

اسم فاعل به صورت صفت فاعلی و اسم مفعول به صورت صفت مفعولی ترجمه می‌شود  
خالق: آفریدگار، آفریننده // مخلوق: آفریده شده // مُشَاهِد: بیننده // مُشَاهَد: دیده شده

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ وَ الدُّعَاءَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ.

اسْمُ الْمَفْعُولِ	اسْمُ الْفَاعِلِ	التَّرْجَمَةُ	الكَلِمَةُ
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	یاد داده شده	يُعَلِّمُ : یاد می‌دهد مُعَلِّم
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	دانا	يَعْلَمُ : می‌داند عَالِم
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	پیشنهاد کننده	اقْتَرَحَ : پیشنهاد کرد مُقْتَرِح
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	آماده شده	يُجَهِّزُ : آماده می‌کند مُجَهِّز
<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	زده شده	ضَرَبَ : زد مَضْرُوب
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	یاد گیرنده	يَتَعَلَّمُ : یاد می‌گیرد مُتَعَلِّم

يا صَانِعِ كُلِّ مَصْنُوعٍ يا خَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ يا رازِقِ كُلِّ مَرْزُوقٍ يا مالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ.

ای صاحب هر ملک داده شده ای  
مِنْ دَعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

ای سازنده ی هر ساخته شده ای ای آفریننده ی هر آفریده شده ای ای روزی دهنده ی هر روزی داده شده ای

اسم مبالغه بر بسیاری صفت یا انجام دادن کار دلالت دارد و بر وزن «فَعَال» و «فَعَالَة» است؛ مانند

عَلَامَة (بسیار دانا)؛ فَهَامَة (بسیار فهمیده)؛ صَبَار (بسیار بُردبار)؛ عَقَّار (بسیار آمرزنده)؛  
كَذَّاب (بسیار دروغگو)؛ رَزَّاق (بسیار روزی دهنده)؛ خَلَّاق (بسیار آفریننده)  
در ترجمه ی اسم مبالغه از فرمول (بسیار + صفت فاعلی) استفاده می شود

گاهی وزن «فَعَال» و «فَعَالَة» بر اسم شغل دلالت می کند؛ مانند خَبَّاز (نانوا)؛ حَدَّاد (آهنگر)

گاهی نیز بر اسم ابزار، وسیله یا دستگاه دلالت می کند؛ مانند  
اگر اسم شغل ها یا ابزارها بر وزن (فَعَال - فَعَالَة) بیاید از بسیار استفاده نمی شود  
فَتَّاحَة (در بازکن)؛ نَظَّارَة (عینک)؛ سَيَّارَة (خودرو)  
طبق نظر مؤلفین کتاب اسم شغل ها و ابزارهایی که بر وزن (فَعَال - فَعَالَة) هستند اسم مبالغه محسوب می شوند  
هرچند در برخی از منابع عربی این اسم ها را مبالغه محسوب نمی کنند

### اِحْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيْبَ التَّالِيَةَ.

﴿أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ﴾: بسیار امرکننده به بدی ها .....  
﴿عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾: بسیار دانای غیب ها .....

﴿الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾: بسیار آفریننده ی دانا .....  
﴿هُوَ كَذَّابٌ﴾: او بسیار دروغگو است .....

﴿حَمَالَةٌ الْحَطْبِ﴾: حمل کننده ی هیزم .....  
﴿الطَّيَّارُ الْإِيرَانِيُّ﴾: خلبان ایرانی .....

﴿لِكُلِّ صَبَّارٍ﴾: برای هر بسیار صبر کننده ای .....  
﴿الْهَاتِفُ الْجَوَّالُ﴾: تلفن همراه .....

﴿رَسَامُ الصُّوْرِ﴾: نقاش عکس ها .....  
﴿فَتَّاحَةُ الزُّجَاجَةِ﴾: در بازکن شیشه .....

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

### حوار گفتگو

(شراء شريحة الجوال)

خریدن سیم کارت تلفن همراه

موظف الاتصالات <sup>۲</sup> کارمند مخابرات	زائر
تَقْضِي، وَ هَلْ تُرِيدِينَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ <sup>۳</sup> ؟ بفرما، و آیا کارت شارژ هم می خواهی	رَجَاءً، أَعْطِنِي شَرِيحَةَ الْجَوَّالِ. لطفاً سیم کارت تلفن همراه به من بده
تَسْتَطِيعِينَ أَنْ تَشَجِنِي رَصِيدَ <sup>۴</sup> جَوَّالِكَ می توانی که اعتبار تلفن همراهت را از طریق عَبْرَ الْإِنْتَرْنِتِ. اینترنت شارژ کنی	نَعَمْ؛ مِنْ فَضْلِكَ أَعْطِنِي بِطَاقَةَ بِمَبْلَغِ بله؛ لطفاً کارت به مبلغ بیست و پنج ریال به من بده خَمْسَةِ وَ عِشْرِينَ رِيَالًا.
تَشْتَرِي الزَّائِرَةُ شَرِيحَةَ الْجَوَّالِ وَ بِطَاقَةَ الشَّحْنِ وَ تَضَعُ الشَّرِيحَةَ فِي جَوَّالِهَا وَ تُرِيدُ أَنْ تَتَّصَلَ زائر سیم کارت تلفن همراه و کارت شارژ می خرد و سیم کارت را در تلفن همراهش قرار می دهد و می خواهد وَلَكِنْ لَا يَعْمَلُ الشَّحْنُ، فَتَذْهَبُ عِنْدَ مُوظِّفِ الْإِتِّصَالَاتِ وَ تَقُولُ لَهُ: اما شارژ عمل نمی کند، پس به سوی کارمند مخابرات می رود و به او می گوید	
أَعْطِنِي الْبُطَاقَةَ مِنْ فَضْلِكَ. لطفاً سیم کارت را به من بده سَامِحِينِي؛ أَنْتِ عَلَيَّ الْحَقُّ. أُبَدِّلُ لَكَ الْبُطَاقَةَ. مرا ببخش؛ حق با تو است. کارت را برایت عوض می کنم	عَفْوًا، فِي بِطَاقَةِ الشَّحْنِ إِشْكَالٌ. در کارت شارژ اشکال است



- ۱- شَرِيحَةَ: سیم کارت ۲- اِتِّصَالَاتِ: مخابرات ۳- شَّحْنِ: شارژ کردن ۴- رَصِيدِ: شارژ ۵- سَامِحِينِي: مرا ببخش  
۶- أَنْتِ عَلَيَّ الْحَقُّ: حق با تو است ۷- أُبَدِّلُ: عوض می کنم



## التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✓ ✗  
تمرین اول: جمله صحیح و نادرست را بر حسب حقیقت و واقعیت معین کن

- ✓..... ۱- الْكَاسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ مِنْهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّايُّ أَوْ الْقَهْوَةُ.  
جام شیشه ای است که با (از) آن آب یا چای یا قهوه نوشیده می شود
- ✓..... ۲- يُمَكِّنُ شِرَاءَ الشَّرِيحَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْإِتِّصَالَاتِ.  
خریدن سیم کارت از اداره ی مخابرات ممکن است
- ✓..... ۳- الرَّاسِبُ هُوَ الَّذِي مَا نَجَحَ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.  
مردود همان کسی است که در امتحانات موفق نشد
- ✓..... ۴- عُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الرَّبِيعِ بَدِيعَةٌ جَمِيلَةٌ.  
شاخه های درختان در بهار نو و زیبا هستند
- ✓..... ۵- يُصَنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ.  
نان از خمیر ساخته می شود

التَّمرينُ الثَّاني: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»  
تمرین دوم: در جای خالی کلمه ی مناسبی از کلمات پیش رو قرار بده . «دو کلمه اضافی است»

الْفَلَوَاتُ / بُعِدَ / وَدُّ / مَصَانِعُ / بَدَّلَ / فَتَّشَ / اللَّيْلُ / يَرْضَى  
صحراها - دور - دوستی انبارهای آب - عوض کن - جستجو کرد - شب راضی می شود

- ۱- الْعَدَاةُ بَدَايَةُ النَّهَارِ وَالْعَشِيَّةُ بَدَايَةُ ..... اللَّيْلِ.....  
صبحگاه آغاز روز و شامگاه آغاز شب است
- ۲- رَأَيْنَا الشَّاطِئَ عَن ..... بُعِدَ ..... عَبْرَ الطَّرِيقِ.  
ساحل را از دور از طریق راه دیدیم
- ۳- رَجَاءٌ ..... بَدَّلَ ..... هَذَا الْقَمِيصِ؛ لِأَنَّهُ قَصِيرٌ.  
لطفاً این پیراهن را عوض کن؛ زیرا آن کوتاه است
- ۴- فِي ..... الْفَلَوَاتِ ..... لَا تَعِيشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ.  
در صحراها (بیابان ها) گیاهان زیادی زندگی نمی کنند
- ۵- الشَّرْطِيُّ ..... فَتَّشَ ..... حَقَائِبَ الْمُسَافِرِينَ.  
پلیس چمدان های مسافران را جستجو کرد
- ۶- أَخِي قَانِعٌ، ..... يَرْضَى ..... بِطَعَامٍ قَلِيلٍ.  
برادرم قانع است و به غذایی اندک راضی نمی شود

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ. تمرین سوم: ترکیب های پیش رور را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه را معین کن

يا عَلَّامَ الْغُيُوبِ: ای بسیار دانای غیب ها  
 اسم مبالغه  
 يا سَتَّارَ الْغُيُوبِ: ای بسیار پوشاننده ی غیب ها  
 اسم مبالغه

يا غَفَّارَ الذُّنُوبِ: ای بسیار بخشاینده ی گناهان  
 اسم مبالغه  
 يا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ: ای بالا برنده ی درجه ها  
 اسم فاعل

يا سَامِعَ الدُّعَاءِ: ای شنونده ی دعا  
 اسم فاعل  
 يا غَافِرَ الْخَطَايَا: ای آمرزنده ی خطاها  
 اسم فاعل

يا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: .....  
 اسم فاعل ای پوشاننده ی هر عیب داده شده ای  
 يا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد  
 اسم فاعل

يا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ: .....  
 اسم فاعل ای بهترین ستاینده و ستوده شده  
 يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ: ای کسی که درسش برای خواهندگان باز شده است  
 اسم مفعول اسم فاعل

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً».

- |   |                                 |
|---|---------------------------------|
| ④ اِبْتِعَاذُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الزَّوْجِ عَنِ زَوْجَتِهِ.<br>دور شدن دوست از دوستش یا شوهر از همسرش | ١- الرَّكْبُ<br>کاروان          |
| ⑥ هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.<br>اوهمان کسی است که حرکاتی زیبا و سخنی زیاد دارد     | ٢- الْكِرَامَةُ<br>عظمت، بزرگی  |
| ⑤ زَيْنَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ فِي يَدِ الْمَرْأَةِ.<br>زینتی از طلا یا نقره در دست زن                 | ٣- الْوَكْرُ<br>لانه            |
| ② شَرَفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ.<br>بزرگی و عظمت و عزت نفس  | ٤- الْهَجْرُ<br>جداشدن، دور شدن |
| ③ بَيْتُ الطُّيُورِ.<br>خانه ی پرندگان  | ٥- السَّوَارُ<br>دست بند        |
|   | ٦- الْمَلِيحُ<br>بانمک          |

الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

تمرین پنجم: حدیث‌ها را ترجمه کن سپس خواسته شده را بنویس

۱- مَنْ قَالَ أَنَا عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

اسم فاعل      اسم فاعل

هر کس بگوید (گفت) من دانا هستم او نادان است  
.....(اسم الفاعل)

۲- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

جار و مجرور

سرور (بزرگ) قوم خدمتگزارشان در سفر است  
.....(الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ)

۳- عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

فعل مجهول      مضاف الیه

دانشمندی که از علمش سود برده می شود بهتر از هزار عبادت کننده است  
.....(الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

۴- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ، وَ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ.

مبتدا      خبر      مبتدا      خبر      مبتدا      خبر      مبتدا      خبر

همنشین خوب بهتر از تنهایی است، و تنهایی بهتر از همنشین بد است  
.....(الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

۵- كَاتِمُ الْعِلْمِ، يَلْعَنُهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْتُ فِي الْبَحْرِ، وَالطَّيْرُ فِي السَّمَاءِ.

اسم فاعل      جار و مجرور      جار و مجرور      جار و مجرور

پوشاننده ی علم ، هر چیزی حتی نهنگ در دریا، و پرنده ی در آسمان او را لعنت می کند  
.....(اسم الفاعل، وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ)

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.  
تمرین ششم: آیه و حدیث ها را ترجمه کن سپس نقش کلمات رنگی را معین کن

۱- ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ اَنْمَل : ٦٥  
مفعول فاعل

کسی که در آسمان ها و زمین است به جز خدا غیب را نمی داند

۲- أَلْسُكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
مبتدا خبر

سکوت طلا و سخن گفتن نقره است

۳- أَلْكَتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خبر مضاف الیه  
کتاب ها باغ های دانشمندان هستند



۴- ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع  
مضاف الیه مضاف الیه  
میوه ی عقل مهربانی با مردم است

۵- زَكَاةُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع  
مبتدا خبر  
زکات علم پخش کردن آن است

كَمَلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.  
جاهای خالی را در ترجمه ی فارسی کامل کن

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِينَ

۱- ﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾

و کسانی که از گناهان بزرگ و کارهای زشت ..... دوری می کنند ، و هنگامی که ..... خشمگین شوند می بخشایند.

۲- ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾

و کسانی که [خواستۀ] ..... پروردگارشان را برآوردند و ..... نماز را برپا داشتند؛

۳- ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾

و در ..... کارشان میان آنها مشورت هست؛

۴- ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾

و از آنچه به ..... آنها روزی دادیم انفاق می کنند.

۵- ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾

و ..... کسانی که هرگاه به آنان ستم شود، یاری می جویند؛

۶- ﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا﴾

و سزای بدی، بدی مانندش ..... است؛

۷- ﴿فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾

پس ..... هرکس درگذرد و اصلاح کند، پاداش او بر [عهدۀ] خداست؛

۸- ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾

زیرا او ستمگران را ..... دوست ندارد

الشوری: ۳۷ إلى ۴۰



أَيُّهَا الرُّمَلَاءُ ؛  
ای همکلاسی ها  
إِلَى اللِّقَاءِ ،  
به امید دیدار  
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛  
منتظر شما در کلاس یازدهم هستیم  
حَفِظْكُمْ اللَّهُ ؛  
خداوند شما را حفظ میکند  
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛  
در پناه خدا  
مَعَ السَّلَامَةِ .  
به سلامت

